



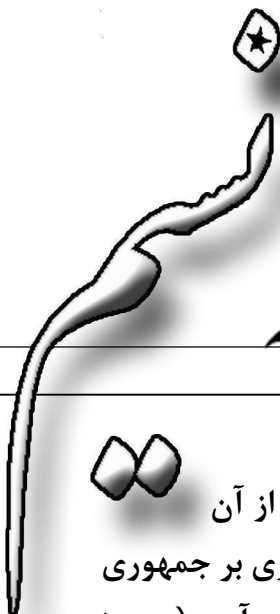
کارگران جهان متحد شوید

♦ شماره ۶۹

۱۲ دسامبر ۲۰۰۶

۲۱ آذر ۱۳۸۵

کاسنامه



چین به نظر

بسیار ضعیف تر از آن

می آید که فشاری بر جمهوری

اسلامی به حساب آید. (هر چند در

صورت طولانی شدن بازی منتظر نتایج

دیگری باید باشیم) سیاست خارجی دولت

نهم بسیار کارآمدتر از آن چیزی است که

مفسرین و تحلیل گران بیان می نمودند.

(البته باید ذکر کرد این کارآمدی بیش از

هر چیز در راستای تامین منافع حاکمیت

(قابل تعریف می باشد. نه منافع مردم

سیاست داخلی دولت نهم در داخل کشور

بر دو پایه استوار بود. در مرحله اول

بستن فضا، جلوگیری از هر گونه تحرک

مخالفین و اپوزیسیون در داخل کشور و

سرکوب هر نوع حرکت یا جنبش

اجتماعی. (از جنبش کارگری گرفته تا

جنبش زنان و جنبش دانشجویی)

پایه دوم این سیاست مبتنی بر از بین

بردن زمینه‌های نارضایتی با اهرم های

اقتصادی بود. امکانی که افزایش قیمت

نفت در خدمت دولت قرار داده بود.

سیاستهای اقتصادی دولت نهم نه نابودی

طبقه متوسط را هدف قرار داده بود و نه

چیز دیگری را، بلکه دو هدف افزایش

رفاه اجتماعی و آمادگی مقابله با تحریم

های بین‌المللی را در دستور داشت.

این سیاست ها موقتاً منجر به اخلاص در

منافع بورژوازی ایران خواهد شد، اما در

حکومت سرمایه داری متعارف و

برقراری رابطه ای خوب با نظام بین

الملل پی برده اند. اما مساله پر سر

حفظ شکل بند سیاسی حکومت و

حفظ حاکمیت در جریان این تحول

است. جناح اصلاح طلب و نزدیک به

بورژوازی ایران تز تعامل و همکاری با

نظام بین الملل و استحاله تدریجی در

داخل را در سر می پروراند و جناح

معروف به اصول گرا مبتنی بر «بن

اسلام سیاسی» تز تحمیل خود به

نظام جهانی را برای حفظ نظام منطقی

می دانست. پیروزی طرفداران این تز

یعنی "تحمیل نظام به فضای بین لملی

پس از به قدرت رسیدن احمدی

نژاد از طریق کشمکش بر سر مسائل

هسته ای خود را به نمایش گذاشت

در موقعیت فعلی می توان سیاست

خارجی جمهوری اسلامی را در تامین

منافع نظام نسبتاً موفقیت آمیز

دانست. آمریکا در تشکیل جبهه

واحدی علیه جمهوری اسلامی ناموفق

بوده، نیروهای نظامی آمریکا در عراق

و افغانستان کاملاً زمین گیر شده اند و

در دو ماه اخیر بیشترین تلفات را در

دو کشور یاد شده داشته اند جنگ

لبنان که با پیروزی نسبی اسلام

سیاسی به نمایندگی حزب الله به پایان

سید و در نهایت تحریم های اقتصادی

ایران نیز با توجه به مقاومت روسیه و

سرمقاله : از رفیق بهروز کریمی
زاده نشریه خاک

نگاهی به شرایط

پیش رو

بیش از یک سال و نیم از انتخابات

ریاست جمهوری در سال **1384** نمی

گذرد که با تحولات بسیاری در

سیاست داخلی و خارجی نظام روبه رو

هستیم.

به گونه ای خلاصه سعی می کنیم نگاهی به این

تحولات در سطح سیاست داخلی و خارجی

داشته باشیم تا به یافتن راهی برای چگونگی

عمل جنبش های اجتماعی نزدیک تر گردیم .

جمهوری اسلامی از ابتدا بر دو بن متفاوت

اجتماعی - سیاسی قرار گرفت. بن اسلام

سیاسی و پایه بورژوازی حکومت که ضرورت های

جامعه سرمایه داری ایران را به جمهوری اسلامی

تحمیل می کرد

جمهوری اسلامی از ابتدا به صورت

یک دولت نامتعارف سرمایه ظهور کرد

و از همان ابتدای شکل گیری آن

معضل بخشی از حاکمیت، بورژوازی

ایران و نظام جهانی سرمایه تبدیل آن

به یک حکومت متعارف سرمایه بوده

است. (رجوع کنید به مقاله آقای

شاهو رستگاری در همین شماره)

اما اکنون صورت مساله دوره حاضر

چیست؟ هر دو جناح به ضرورت

تبدیل جمهوری اسلامی به یک

اصل نه تنها هیچ سمت و سوی ضد بورژوازی یا ضد سرمایه داری ندارد، بلکه در طولانی مدت نتیجه آن ابقای نظم بورژوازی کنونی و سرکوب جنبش طبقه کارگری است (که بار دیگر در حال سر بر داشتن از زمین خون آلودی است که با همکاری لیبرال ها و مکتبی ها دو دهه پیش در آن به خاک سپرده شده بود) در تایید این تحلیل به «ابلاغ سیاستهای کلی اصل 44 قانون اساسی» توسط عالیترین مقام کشور و صدها نمونه دیگر می توان اشاره نمود.

این سیات ها عملاً در هدف افزایش رفاه اجتماعی به شدت ناکارآمد از آب در آمدند و سیاست داخلی احمدی نژاد را به شدت با خطر مواجه ساخته است. نارضایتی وسیع طبقه کارگر و دیگر طبقات محروم، اعتصابات وسیع در کارخانجات، رشد وسیع تشکل های کارگری مستقل در تهران و شهرستان ها، همه نشانگر گسست بیش از پیش دولت نهم و طبقه کارگر و جلو آمدن این طبقه به عنوان عامل اصلی تحولات آتی ایران می باشد.

در این میان بورژوازی ایران و متحدانش در حال از دست دادن وزن خود در توازن طبقاتی فعلی به نفع طبقه کارگر و متحدانش هستند. این مسئله بورژوازی و نمایندگان سیاسی اش را روز به روز از لحاظ سیاسی نیز کاملاً به آمریکا و توان نظامی اش وابسته نموده. بورژوازی و اپوزیسیون

راست (لیبرال) از هر پراتیکی در شرایط امروز ایران خود را ناتوان می بینند و در عین نفرت از رادیکالیسم، (حضور مردم در سیاست می تواند به معنای ناقوس مرگ بورژوازی و نیروهای لیبرال در صحنه سیاسی ایران باشد). مشی حرکت خود را سکوت در مقابل سرکوب ها، استقبال از مرگ جنبش های اجتماعی، زدن رقیب سیاسی و طبقاتی خود (یعنی چپ) قرار داده اند تا به خیال خودشان تا رسیدن تانک های آمریکایی و بر پایی دموکراسی توسط آمریکا بتوانند اندکی زمان از جمهوری اسلامی بخرند.

در این میان باید راهی در مقابل طبقه کارگر، زنان، دانشجویان و دیگر انسان های آزادی خواه و ستمدیده ای که جنگ و سرکوب وسیع، خفقان و... بر زندگی اشان سایه افکنده نشان داد. آیا می توان به دولت و ارتش آمریکا امیدوار بود؟ آیا به شاهزاده رضا پهلوی ها می توان امیدوار بود؟ آیا در انتخابات بعدی باید به آغوش رفسنجانی و مشارکتی ها بازگردیم؟

راه برون رفت از این شرایط ایجاد خط سومی است در مقابل استبداد و سرکوب از سویی و از سوی دیگر در برابر آمریکا و اپوزیسیون راست ایران، جبهه ای که مخالفت با فضای جنگی و مقابله با تحمیل این فضا به

جامعه از اهداف و شعارهای استراتژیک آن است.

جنبش های اجتماعی طبقه کارگر، زنان، دانشجویان و دیگر جنبش ها یا نیروهای آزادی خواه پایه های اصلی تشکیل این خط را شکل می دهند. این نیروها در عین احتراز از هر گونه ائتلاف یا نزدیکی با نیروهای آمریکایی و استبداد حاکم، با تاسیس تشکل های صنفی، اجتماعی، سیاسی (و هر آن چیز دیگر که همچون یک سنگر از اعضای خود در مقابل هجوم نیروهای سیاه، بتواند حفاظت نماید) اقدام می کنند.

این شیوه عمل محتاج کنار گذاشتن های «نخبه گرایانه» و دیدگاه «تغییراز بالا» می باشد. (که لیبرال ها و دوم خردادی ها در این سالها به این گونه ترویج و عمل کرده اند). به عبارتی دیگر همه جنبش های اجتماعی در بطن یک کشمکش طبقاتی وسیعتر و عمیق تر قرار دارند که باید در بین هژمونی هر یک از این طبقات بر خود یکی را انتخاب نمایند. بورژوازی ایران در جریان اصلاحات بی کفایتی و خیانت پیشگی اش را بار دیگر در پیشگاه تاریخ به همگان ثابت کرد و این بار طبقه کارگر است که با گسست از چپ سنتی و پوپولیست گذشته باید سعی نماید با رهبری درستی این جنبش ها را به مقصود برساند.

مبارزه برای تحقق خواست های دموکراتیکی چون «آزادی تشکلها»، «آزادی بیان و لغو سانسور»، «به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض» و... در لیست مطالبات اصلی این جبهه است که اتفاقاً توسط نیروهای این جبهه به هیچ روی تحت عناوینی چون تغییر نقطه ثقل تعیین سرنوشت از عرصه داخلی به عرصه بین الملل مورد معامله قرار نمی گیرد. کسانی

که چنین عناوینی را مطرح می‌کنند، خواسته یا ناخواسته سرنوشت مردم را با دست خود به نیروهای نظامی، ارتجاعی، سیاه و... می‌سپزند. در حالی که اساسی‌ترین هدف در دوره حاضر آماده کردن مردم برای دخالت در تعیین سرنوشتشان و در دست گرفتن آن است.

به عبارتی پاسخ منفی به حمله نظامی یا هرگونه دخالت خارجی و مقاومت در مقابل استبداد و سرکوب داخلی دو وجه استراتژی واحدی است که در آن پیگیری مستمر خواسته‌ها و مطالبات مردم به صورتی مستقل و بر پایه نیروهای مردمی پیگیری میشود.

در حاشیه (لیبرال‌ها هم بخوانند!): اخیراً حملات وسیعی از طریق تریبون‌ها و شخصیت‌های مختلف (از عالی‌ترین مقام مملکت تا دون پایه‌های دور و بر تحکیم و سلطنت طلبان و مدعیان لیبرالیسم وطنی) به چپ و به خصوص مواضع چپ رادیکال صورت گرفته است که این امر بیش از هر چیز نشانگر واقعیت چپ رادیکال در جامعه امروز ایران است که با توجه به مواضع آزادی خواهانه و برابری طلبانه آن خطر فراگیر شدن آن یا همین توان بالفعل محدود کنونی اش هم دیگران را به شدت مضطرب نموده است.

این حملات از جانب نیروهای راست بیش از هر چیزی (امیدوار بودیم این حملات بیشتر ناشی از دغدغه‌ای جهت رشد و تعالی جنبش دانشجویی از لحاظ نظری باشد) عصبیت بورژوازی ایران بر اثر ناتوانی

ذهنی و عملی اش در مواجهه با نمایندگان تحمیلی اش را نشان می‌داد. عقیمی جریان راست در ایران چه از لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی امری است که ریشه در خاستگاه طبقاتی این دیدگاه دارد و در این میان تنها عملی که می‌توانند حول آن دیدگاه و عمل خود را منسجم کنند، حمله به دشمن طبقاتی اشان یعنی پرولتاریا و نمایندگان سیاسی آن یعنی چپ رادیکال می‌باشد.

در این جا تنها به چند توهین و مهمل صادره از آن جنابان پاسخی در خور داده خواهد شد تا اندکی از توهمات این افراد بکاهیم و در ادامه نیز مباحث نظری فارغ از شیرین کاری‌های آقایان! بر روال سابق در این شماره و شماره‌های آتی پی گرفته خواهد شد.

1 - در باب پرداخت هزینه: این مسئله که چپ‌ها در تاریخ ایران یا در دوره مشخصی به طور مثال در حوادث خرداد ماه گذشته هزینه کمتری از جریانات راست پرداخته‌اند بیشتر به یک شوخی شبیه است یا به وقاحت غریبی در وارونه جلوه دادن حقایق نیاز دارد. به نظر ما مسئله بسیار روشن است، آقایان دست‌پیش را گرفته‌اند تا پس نیفتند. در رابطه با احکام کمیته انضباطی با همه به صورت یکسان برخورد شد و نیروهای چپ نیز هزینه خود را پرداخته‌اند و جالب

است که بعضی از دانشجویان بازداشتی در خرداد ماه امسال نیز به این طیف تعلق داشتند. یادآوری تعلقات زندانیان سیاسی اخیر نیز بعید می‌دانم لازم به یادآوری داشته باشد. طرفداران حقوق بشر عزیز نیز که ظاهراً نسبت به دهه 60 دچار آلزیمر شده‌اند.

متأسفانه اتهامات دیگری مبنی بر نزدیکی بعضی افراد به حاکمیت یا مشکوک بودن بعضی دیگر صورت می‌گیرد که این مباحث به قدری سخیف است و از زبان افرادی بیان می‌گردد که احتیاج به سخنی در این زمینه نیست. (هر چند در این زمینه نیز گفتنی‌ها بسیار است

2 - در باب دموکراسی خواهی!: از دیدگاه ما مسئله بسیار روشن است. چپ رادیکال به مطالبات دموکراتیک و آزادیخواهانه متعهد است و این مطالبات را در چارچوب مبارزات طبقه کارگر و یک استراتژی سوسیالیستی پیگیری می‌نماید. اما خود را مفتخر می‌داند که حاضر به عضویت و همکاری در هیچ جبهه مشترکی با سلطنت طلبان و نیروهای آمریکایی یا نیروهایی که از هرگونه دخالت خارجی در ایران حمایت می‌نمایند (این دخالت از تحریم تا دخالت نظامی را شامل می‌شود) نمی‌باشد. چپ رادیکال چنین نیروهایی را زمینه ساز عراقیزه کردن ایران و تبدیل ایران به زمین بازی گانگسترهای قومی، مذهبی و نظامی می‌داند.

چپ رادیکال مطالبات آزادی خواهانه و دموکراتیک را در چارچوب جنبش

های اجتماعی و پروسه دخالتگری مردم در سرنوشتشان را قابل پیگیری و تحقق می داند و تحقق نهایی آن را در برقراری سوسیالیسم می یابد.

اگر تنها تعبیر رئال و واقعی از آزادی خواهی و دموکراسی تعبیر بوش و نئوکنسرواتیسم کنونی است که این بیشتر تقویت موضع بن لادن از آب در خواهد آمد!

نه خیر آقایان! این دو قطبی کاذب را که یا باید نظم تحمیلی آمریکا را با جنگ افروزی ها و نابودی بنیاد های مدنیت جامعه پذیرفت و یا باید تروریست های اسلامی و بمب و ترور آنها را، میلیون ها انسان آزادی خواه و برابری طلب به یمن حضور و قدرت طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی آن نخواهند پذیرفت.

آری! دنیای دیگری ممکن است.

در پایان یادآور می شویم برای آنکه اعتراف شود عده ای شرایط کنونی را نه می توانند تحلیل کنند و نه می توانند برای آن راه حلی پیدا کنند، این همه احتیاج به معلق های تئوریک و فحاشی به دیگران ندارد! اضمحلال و پوچی لیبرالیسم و بورژوازی ایران را به شیوه ای بهتر از آن چیزی که خود به نمایش می گذارند، نمی توان بیان کرد.

به امید دنیایی انسانی تر

زنده باد سوسیالیسم

دعوت از فعالین جنبش کارگری

در چند سال گذشته شاهد تحرک فعالین جنبش کارگری، برای ایجاد تشکلات کارگری بوده ایم. هر یک بنا به شرایط و موقعیت ها و گرایشاتی که داشته اند از زاویه ای به این مسئله پرداخته اند و شکل خاصی از تشکل را سازمان داده اند. و یا زمینه ایجاد آن شدند.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با سازماندهی چند هزار راننده این شرکت در تهران و با اعتصابشان توانستند پشت سرمایه داران را بلرزانند، از جمله این موارد است. اما پس از اعتصاب شدیداً مورد یورش قرار گرفتند و سرکوب شدند. بازداشت عده زیادی از آنها، حمله شبانه به خانه های رانندگان، غیر قانونی اعلام کردن سندیکای شرکت واحد، بازداشت طولانی منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره این سندیکا و اخراج بسیاری از فعالین این سندیکا از شرکت واحد، نشانگر شدت سرکوب و برخورد با آنها است. متأسفانه بدلیل عدم آمادگی طبقه کارگر در حمایت از رانندگان شرکت واحد، سرکوب این سندیکا عملی شد و ضرباتی بر پیکر این سندیکا فرود آمد. دیگر فعالین رادیکال جنبش

کارگری در تلاش برای همبستگی و هماهنگی بین پیشروان جنبش در راستای ایجاد تشکل فراگیر کارگری اقدام به ایجاد کمیته ها و تشکلاتی نمودند. از آن جمله کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلات آزاد کارگری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری و اتحاد کمیته های کارگری را می توان نام برد.

واقعیت آن است که تمام این تلاشها، با وجود مثبت بودن و برداشتن یک گام به جلو تا کنون نتوانسته به هدف خود یعنی برپایی یک تشکل فراگیر و حتی فراهم نمودن زمینه های آن برسد. هر کدام از این گرایشات رادیکال در حد توان خود در مقابل تهاجمات سرمایه داری ایستادگی کرده اند، اما مسئله ایجاد تشکل فراگیر همچنان به عنوان مسئله ای لاینحل باقی مانده و ظاهراً پس از گذشت چند سال، هنوز در بن بست قرار دارد.

دلیل اینکه چرا هر یک از این گرایشات و از جمله خود ما نتوانسته ایم به این هدف نزدیک شویم و حد اقل بین پیشروان فعال جنبش کارگری هماهنگی و همکاری لازم را بوجود بیاوریم، از موضوع این نوشته خارج است و بسیار مفصلتر از آن است که در این نوشته کوتاه بتوان به آن پرداخت. اما بطور کلی می توان گفت که همه ما کمتر و بیشتر دچار برخورد انحصار طلبانه بوده ایم. اختلافات بین گرایشات رادیکال

موجود واقعیتی است که به هیچ وجه قصد نادیده گرفتن آن را نداریم و اساساً یکی از کانالهای پیشروی جنبش کارگری پرداختن به انحرافات و اختلافات است. اما مسئله این است که آیا با وجود تضادهای موجود وجوه مشترکی که همانا رادیکالیسم این گرایشات در تقابل با سرمایه داری است وجود ندارد؟

با گذشت زمان رادیکالیسم در این گرایشات تقویت شده و بسیاری از فعالین جنبش کارگری به این نتیجه رسیده اند که ضروری است برای مبارزه با سرمایه داری و برای آنکه این مبارزه قوی تر باشد، باید دست اتحاد و همکاری به سوی هم دراز کنیم. برای آنکه بتوانیم در تقابل با سرمایه داری فقط به دادن اطلاعات بسنده نکنیم و بتوانیم تحرکات عملی داشته باشیم، ضروری است نوعی از همکاری و هماهنگی را بین خود سازمان دهیم.

همانطور که گفته شد اختلافات بین ما اختلافاتی واقعی است و در نتیجه ضروری است ضمن حفظ موقعیت کنونی مان طرحی برای همکاری منظم حول مبرمترین مطالبات جنبش کارگری، بین خود داشته باشیم. ما می توانیم شورای همکاری متشکل از نمایندگان گرایشات رادیکال جنبش کارگری مثل سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی... کمیته پیگیری... اتحاد کمیته های کارگری، انجمن فرهنگی

کارگری، فعالین فلز کار مکانیک، دانشجویان هوادار جنبش کارگری و بسیاری از فعالینی که مستقلاً فعالیت می نمایند، ایجاد نماییم. این شورا می تواند وظیفه هماهنگی و همکاری در مقابل تهاجم به فعالین کارگری و یا بطور کلی طبقه کارگر را بعهده بگیرد. در چنین حالتی فعالین متشکل در این شورا می توانند به سهم خود نقش بیشتری در عرصه مبارزه طبقاتی داشته باشند و بخشهایی از کارگران پیشرو را نیز جذب این حرکت نمایند. پراکندگی موجود یکی از علت‌هایی است که بدنه طبقه کارگر را از فعالینش جدا کرده و عملاً طبقه کارگر قطبی قوی در مقابل سرمایه داری نمی بیند. همانطور که گفته شد این شورا می تواند این خلا را تا حدود کمی پر کند و آغازی باشد برای ایجاد تشکل فراگیر و همکاری وسیعتر فعالین جنبش کارگری. هدف بالفعل این شورا همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر این فعالین خواهد بود و هدف بالقوه اش می تواند ایجاد تشکل فراگیر ضد سرمایه داری باشد. در این شورا می توان بحث بر سر چگونگی ایجاد تشکل و حرکت به سوی آن در دستور کار باشد، ضمن اینکه این روند به هیچ وجه مغل مبارزه نظری و حرکت مستقل کنونی این

گرایشات در سطح جنبش کارگری نیست. طبیعتاً طرح چنین همکاری و اتحاد عملی، مورد مخالفت آن دسته از افرادی قرار می گیرد که شدیداً منافع گروهی برایشان الویت دارد و بنا بر این ضروری است که همه دلسوزان واقعی جنبش کارگری، بخصوص همه آنها که در گرایشات نامبرده شده فعالیت دارند، بر ضرورت چنین همکاری پا فشاری نمایند و منافع جنبش طبقه کارگر را بر منافع گروهی خود ارجح بدانند. همکاری بین گرایشات موجود و نزدیکی آنها، گام بزرگی در جنبش کارگری است و می تواند ما را از بن بست فعلی خارج و زمینه های تشکل یابی کارگران را فراهم نماید. طبیعتاً انعطاف و گذشت از اختلافات کوچک، برای تحقق چنین همکاری بسیار تعیین کننده و ضروری است.

ما به هیچ عنوان تصور نمی کنیم که این طرح کامل و بدون نقص است و بالعکس از تمام فعالین جنبش کارگری می خواهیم که برای تحقق هدف ذکر شده هر پیشنهادی به نظرشان می رسد ارائه نمایند. شرایط کنونی ضرورت چنین همکاری را بین ما فعالین جنبش کارگری بر جسته کرده است و باید این مسئله را به فال نیک گرفت. نباید روند تهاجم سرمایه داری به حقوق ما بدون مانع جدی و قوی تداوم یابد. اتحاد عمل و همکاری بین ما و حرکت در جهت ایجاد تشکلی فراگیر بین گرایشات رادیکال، باید از حرف به عمل تبدیل گردد.

اتحاد کمیته های کارگری

پیام دکتر زرافشان به مناسبت ۱۶ آذر

دوستان و رفقای دانشجو

درد گرم مرا بپذیرید .

یاد شهدای ۱۶ آذر را در شرایطی گرمی می داریم که دیو استبداد و ارتجاع به تمام قد ، خود را در برابر جامعه و نیازهای رشد و پیشرفت آن قرار داده و راه آنرا سد کرده است ، دیوی که حتی از یادآوری نام و خاطره آن شهدای سربلند هم وحشت دارد و جلوگیری می کند . اما دقیقا در همین شرایط ، زنده نگاه داشتن یاد و خاطره آرمان خواهی و مبارزات شهدای دانشجو ضرورت موجد تر از همیشه است . زیرا اکنون هم ارتجاع حاکم داخلی و هم فرهنگ امپریالیستی که فعلا بر فضای بین الملل تسلط یافته هر دو می کوشند تا هریک با ارائه بدیل‌های تو خالی ، تفکر و عمل انقلابی نسل‌های گذشته جنبش دانشجویی را لوث و تحقیر کنند و با زدودن حافظه تاریخی جامعه و قطع ارتباط آن با گذشته ، میراث مبارزاتی جنبش دانشجویی را از ذهن نسل کنونی پاک کرده و آنرا رهسپار دنیای فراموشی سازند . از این روست که زنده نگاه داشتن یاد و خاطره آرمان خواهی و مبارزه انقلابی شهدای دانشجویی از هر زمان دیگر ضروری تر به نظر می رسد .

اگر آنچه اکنون جریان دارد ، روند طبیعی و ناگزیر آن چیزی باشد که باید در ایران طی کرد ، با همه دشواری

تهاجمات سرمایه داری و بر این مبنا مجددا از فعالین دیگر جنبش کارگری برای شرکت در این شورا دعوت به عمل می آوریم

اتحاد کمیته های کارگری ۸۵/۹/۱۶

06-12-07 =

Komiteye kargari@yahoo.com

اعلام همبستگی کارگری

از اطلاعیه " اتحاد کمیته های کارگری " مبنی بر دعوت از فعالین جنبش کارگری به منظور تشکیل شورای همکاری فعالین این جنبش و به دنبال آن از پاسخ مثبت " کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری " و " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " به این دعوت نامه آگاهی یافتیم .

ما با ابراز مسرت از این دعوت نامه و پاسخ مثبت به آن از هرگونه همکاری فعالین و نیروهای مترقی و رادیکال جنبش کارگری به منظور ایجاد تشکل فراگیر ضد سرمایه داری کارگران و بدون هیچگونه چشم داشت از طبقات استثمارگر و حاکمان سیاسی اقتصادی قاطعانه دفاع می کنیم .

کانون همبستگی با جنبش کارگری

ایران - هانوفر

کانون همبستگی با کارگران ایران - کلن

میته همبستگی با کارگران ایران -

هامبورگ

۲۰/۹/۱۳۸۵ = ۱۱/۱۲/۲۰۰۶

در باره شورای همکاری فعالین جنبش کارگری

پس از دعوت از فعالین جنبش کارگری برای تشکیل شورای همکاری فعالین جنبش کارگری ، بلافاصله بعضی از تشکیلات و فعالین به این دعوت نامه پاسخ دادند . از جمله کمیته هماهنگی ... و کمیته پیگیری ... به آن جواب مثبت داده و از آن استقبال نموده اند .

تعدادی از فعالین در مورد هدف بالقوه یعنی ایجاد تشکل فراگیر ، پیشنهادها و نکاتی را ارائه نمودند که می توان همه آنها را در شورای همکاری ... به بحث گذاشت . اما برای آنکه ابتدا شورای همکاری شکل بگیرد و راه را هموار نماید ، ضروری است بر اساس هدف بالفعل آن یعنی مبرم ترین مطالبات جنبش کارگری که همه بر آن توافق داریم مانند : امنیت شغلی ، حق آزادی تشکل و به ویژه خنثی کردن تهاجم به فعالین جنبش کارگری ، حرکت خود را آغاز کنیم و شورای مان را ایجاد نماییم . بنا بر این ، شورای همکاری ... بدون هیچ پیش شرطی ایجاد خواهد شد و ضمن پرداختن به هدف بالفعل خود ، می تواند در کنار آن ، موضوع تشکل فراگیر را به بحث و تبادل نظر بگذارد .

ایجاد شورای همکاری فعالین جنبش کارگری ، گامی است به جلو برای ایستادگی محکم تر در مقابل

هایش ، نباید از آن نا خرسند باشیم .
 اتفاقا استراتژی موثر و ناگزیر مبارزه را فقط در همین شرایط و در چنین بستری می توان پیدا کرد . این شرایط به توهماتی که طی یکی دو دهه اخیر تبلیغ کرده اند و ثمری جز خواب کردن جنبش دانشجویی و غافل ساختن آن از هدف های واقعی و راه های رسیدن به آنها نداشته است ، پایان خواهد داد و جنبش دانشجویی را خالص تر و هشیار تر خواهد نمود .

با شما یک سینه سخن دارم اما در شرایط حاضر که ممنوع الملاقات شده و حتی از دیدار خانواده خود محروم هستم ، امکان ارتباط با شما و در میان گذاردن همه آنچه که می خواهم بگویم برایم وجود ندارد .

از دور دست یکایک شمارا می فشارم و در مبارزه مردم دوستانه شما در هر شرایطی در کنارتان هستم .
 ۱۳۸۵/۹/۱۵

ناصر زرافشان زندان اوین

بازداشت ۹ کارگر شرکت قوه پارس

به دنبال جلوگیری کارگران شرکت " قوه پارس " قزوین از خروج دستگاههای تولیدی این شرکت از داخل کارخانه، مراجع قضایی رژیم ۹ نفر از کارگران این واحد را احضار و دستور به بازداشت آنان دادند.

شرکت " قوه پارس " قزوین از بهمن ماه سال ۸۴ تعطیل و ۵ ماه حقوق و مزایای معوقه 74 کارگر این واحد تاکنون پرداخت نشده است.

کارگران شرکت مذکور روز سه شنبه ۱۴ آذر ماه در مقابل استانداری قزوین دست به اعتراض زده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند.

دانشجویان مبارز دانشگاه "امیر کبیر" با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور و دروغگو برو گمشو" احمدی نژاد را از دانشگاه بیرون کردند

احمدی نژاد رئیس دولت اسلامی روز دوشنبه علیرغم مخالفت دانشجویان دانشگاه امیر کبیر(پلی تکنیک تهران) در این دانشگاه حضور یافت، اما با عکس العمل شدید دانشجویان مبارز این دانشگاه روبرو شد.

احمدی نژاد که در میان تدابیر شدید امنیتی و با حضور پر شمار نیروهای بسیج مناطق تهران در میان دانشجویان دانشگاههای امام حسین و امام صادق که در دانشگاه امیرکبیر حاضر شده بودند با شعار های دانشجویان خشمگین روبرو شده و سرانجام از دانشگاه بیرون انداخته شد.

گزارشها حاکیست که به هنگام سخنرانی احمدی نژاد دانشجویان پلی تکنیک در حالی که عکس وی را به صورت وارونه در دست گرفته و عکس دانشجویان اخراجی و سه ستاره و دکتر "کیوان انصاری" را در دست داشتند، شعار می دادند "محمود احمدی نژاد،

عامل تبعیض و فساد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "نظامی حیا کن دانشگاه را رها کن" و "دروغگو بر بی نفرت و انزجار خود را از حاکمیت استبداد اسلامی به نمایش گذاشتند

گزارشهای منتشره از درگیری شدید دانشجویان مبارز پلی تکنیک و دانشجویان بسیجی این دانشگاه حکایت

دارد، به صورتی که دانشجویان بسیجی در حضور احمدی نژاد اقدام به ضرب و شتم دانشجویان دانشگاه کردند و دو نفر از دانشجویان زخمی و به بیمارستان منتقل شده اند.

گزارش دیگری حاکیست که در میان سخنان احمدی نژاد دانشجویان شعار می دادند "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد".

گزارش می شود زمانیکه احمدی نژاد با حمله مکرر به تفکرات مارکسیستی و لیبرالیستی به بیان خاطره ای از دوران مبارزات دانشجویان در اوایل انقلاب پرداخت دانشجویان امیرکبیر با سردادن شعار های "حکومت زور نمی خوایم، دولت مزدور نمی خوایم"، "آزادی، آزادی حق مسلم ماست" و "محمود احمدی نژاد، عامل تبعیض و فساد" مانع از سخنان فریبکارانه وی شدند.

سرانجام در حالیکه احمدی نژاد و نیروهای بسیجی سرافکننده از دانشگاه بیرون رانده شدند و دانشجویان مبارز امیرکبیر پس از خروج از سالن سرود یار را به صورت دستجمعی خواندند دبستانی

کارگران شرکت "فرش پارس" به

کارگران معترض "پوشینه بافت"

پیوستند

صبح روز یکشنبه ۱۹ آذر ماه و به دنبال اینکه کارگران شرکت "پوشینه بافت" جاده اصلی شهر صنعتی البرز به قزوین را بستند، کارگران شرکت "فرش پارس" نیز به آنان پیوسته و شمار آنان به بیش از ۱ هزار نفر رسید . شرکت "فرش پارس" از ابتدای سال ۸۵ تعطیل شده و کارگران

این واحد ۴ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

شرکت "پوشینه بافت" نیز به دنبال واگذاری به بخش خصوصی از سال گذشته دچار بحران شده و حقوق و مزایای چندین ماه ۷۰۰ کارگر این شرکت نیز پرداخت نشده است.

گزارش می شود که به دنبال مسدود شدن جاده شهر صنعتی البرز به قزوین از سوی کارگران واحد های نامبرده، نیروهای پلیس ضد شورش و انتظامی رژیم ساعت ۱۱ ظهر در محل حاضر شده و کارگران را متفرق نموده اند.

کارفرمای شرکت "فیروز الکتریک" نیشابور ماهیانه تنها ۷۰ هزار تومان حقوق به کارگران خود می دهد

کارفرمای شرکت "فیروز الکتریک" نیشابور ماهیانه تنها ۷۰ هزار تومان حقوق به کارگران خود پرداخت می کند در حالیکه براساس قوانین کار رژیم حداقل حقوق کارگران ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده است.

۵۱ کارگر در شرکت فیروز الکتریک نیشابور مشغول کار هستند و کارفرمای این واحد در قبال هر یک ماه کار تنها سه روز حق بیمه آنان را پرداخت می کند.

بنا به گفته کارگران واحد مذکور کارفرما در زمان استخدام از آنان چکهای سفید امضا در یافت کرده است تا کارگران نتوانند در مقابل اقدامات ضد کاری کارفرما هیچگونه اعتراضی داشته باشند.

زنده باد سوسیالیسم

ادامه اعتصاب کارگران «ایران صدرا» در بوشهر

اعتصاب کارگران شرکت "ایران صدرا" در بوشهر که از روز دوشنبه گذشته و در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان آغاز شده است روز پنجشنبه نیز ادامه یافت.

۸۰۰ کارگر ایران صدرا که به تازگی بر سرکارهایشان بازگشته اند ضمن اعتصاب خواستار پرداخت مطالبات خود هستند و تلاشهای کارفرمایان و مسئولین رژیم برای پایان دادند به اعتصاب آنان هنوز به جای نرسیده است.

مدیریت شرکت "البرز دارو" قزوین کارگران رسمی را اخراج و از

کارگران قرار دادی استفاده می کند

۱۱ کارگر اخراجی شرکت "البرز دارو" در شهر صنعتی البرز در قزوین می گویند با وجود گذشت ۴ ماه از اخراج آنان هیچ یک از مسئولین رژیم پاسخ مناسبی به آنان نمی دهند و مدیریت شرکت نیز حکم بازگشت بکار کارگران توسط اداره کار را نمی پذیرد.

بنا به گفته کارگران شرکت "البرز دارو" مدیران این واحد قصد دارند ۹۰ کارگر دیگر این شرکت که به صورت رسمی مشغول کار هستند را اخراج و به جای آنان کارگران قرار دادی را استخدام نمایند.

در حال حاضر ۲۰۰ کارگر در شرکت البرز دارو مشغول کار هستند و اخراج سازی پیاپی کارگران رسمی از سوی مدیران این واحد باعث نگرانی تمامی آنان شده است.

اعتراض وکیل مدافع "محمود صالحی" و "جلال حسینی" به حکم صادره

وکیل مدافع "محمود صالحی" و "جلال حسینی" از کارگران دستگیر شده مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۳ شهر سقز از تجدیدنظرخواهی نسبت به احکام صادره برای نامبردگان خبر داد.

"محمد شریف" در گفت و گو با خبرنگاری حکومتی "ایلنا" گفت: پیش از این شعبه اول دادگاه سقز "محمود صالحی" و "جلال حسینی" را به ترتیب به چهار و دو سال حبس محکوم کرده بود و من در لایحه ای که به این دادگاه ارائه دادم نسبت به احکام صادره برای موکلانم اعتراض کردم.

وی اتهام محمود صالحی و جلال حسینی را اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم عنوان کرد گفت: تبانی به کار مخفیانه گفته می شود، در حالی که موکلان من ضمن مکاتبه با مقامات مسئول به ویژه فرمانداری سقز، آنها را در جریان حضور خود برای شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در سال ۸۳ قرار داده بودند، بنابراین موکلانم کار مخفیانه ای انجام نداده اند.

گفتنی است که احکام صادره برای فعالین کارگری شهر سقز از سوی دادگاه رژیم اسلامی، با اعتراضات گسترده فعالین و اتحادیه های کارگری و گروهها و نهادهای مترقی در داخل و خارج ایران روبرو شده است.

مراسم مستقل اول ماه مه حق مسلم کارگران است